



مطالعه تطبیقی آثار اشتباه در قراردادهای و مبانی آن در حقوق ایران و فرانسه

محمد ریاحی*

دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

چکیده

فهم نادرست از واقعیت و اعتقاد به اینکه امری صحیح، نادرست است یا برعکس، اشتباه نامیده می‌شود. شناخت مفهوم اشتباه به سادگی امکان‌پذیر نیست، زیرا معنی درست و نادرست نسبی و موقتی است. به هر حال آنچه به عنوان اشتباه مستلزم ضمانت اجرا می‌باشد، این رویداد است که اعتقاد طرف قرارداد منطبق با واقعیت نباشد. در نتیجه اشتباه در نظام حقوقی ایران و فرانسه مخدوش‌کننده اراده است نه موضوع قرارداد. در حقوق ایران اشتباه گاهی معیوب‌کننده قصد و گاهی عیب رضا است. بر همین اساس ضمانت اجرای در نظر گرفته شده از سوی قانون‌گذار به ترتیب بطلان و حق فسخ می‌باشد و در سایر موارد به اعتبار اصل استحکام قراردادهای ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته نشده است. در حقوق فرانسه نیز گاهی زائل‌کننده رضا (اراده) و گاهی معیوب‌کننده آن است و در سایر موارد تأثیری بر اعتبار عقد ندارد؛ بر همین اساس اشتباه به مانع، مؤثر و غیر مؤثر تقسیم می‌شود و ضمانت اجرای آن به ترتیب بطلان مطلق، نسبی و در برخی موارد ایجاد حق فسخ است؛ اشتباه غیرمؤثر نیز خللی به عقد وارد نمی‌کند. هدف این مقاله با به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و با نگاه تطبیقی به نظام حقوقی فرانسه تبیین ماهیت و جایگاه اشتباه و مطالعه‌ی آثار آن برای ارائه راهکار مناسب در حل مسائل پیچیده‌ای است که به طور معمول محاکم دادگستری را به خود مشغول کرده است.

لغات کلیدی: اشتباه، عیب اراده، اشتباه مانع، خود موضوع معامله، بطلان مطلق، بطلان نسبی.

E-mail: dr_mohammadriyahi@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:





۱. مقدمه

مباحث مربوط به حقوق قراردادها به‌طور معمول از پیچیدگی و ظرافت خاصی برخوردار است که اشتباه در این حوزه یکی از آنها است. اشتباه در اصطلاح حقوقی نوعی از گسیختگی و قطع ارتباط بین واقعیت با اعتقاد طرف قرارداد است (Pitras, 2021: 46 n^{os}93)؛ بر این اساس اشتباه در حقوق فرانسه از عیوب اراده محسوب می‌شود؛ هرچند در حقوق ایران با توجه به جایگاه ماده ۳۵۳ قانون مدنی که زیر عنوان «مبیع» قرار گرفته است این تردید به وجود می‌آید که قانون‌گذار ایران به تبع برخی از عبارات فقهی اشتباه را عیب موضوع -نه اراده- دانسته است؛ با وجود این مطابق با مبانی اراده و موانع آن، موقعیت مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مدنی و نیز دقت در کلام اغلب فقها، در حقوق ایران نیز اشتباه از عیوب اراده قلمداد می‌شود. تمایز مقاله حاضر با سایر آثاری که در این زمینه نگارش یا تألیف شده این است که در این مقاله مبنای اشتباه به‌طور عمیق تحلیل شده است از این جهت که در نتیجه آن اراده یا موضوع قرارداد مخدوش می‌شود؟

بر بنیاد این مبنا در حقوق ایران، اشتباه گاهی عیب قصد و گاهی عیب رضا است؛ که ضمانت اجرای در نظر گرفته شده از سوی قانون‌گذار نیز حسب مورد متفاوت است؛ در مواردی که قصد را مخدوش می‌کند منتهی به بطلان قرارداد و در برخی از مواردی که رضا را معیوب می‌کند سبب ایجاد حق فسخ برای مشتبه می‌شود؛ ولی در موارد دیگر اثری بر عقد ندارد؛ بنابراین برخلاف ظاهر مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مدنی، اشتباه در هیچ فرضی منتهی به عدم نفوذ قرارداد نمی‌شود. در حقوق فرانسه نیز اشتباه گاهی رضا را زایل و گاهی معیوب می‌کند. بر همین اساس از حیث اثر سه نوع اشتباه وجود دارد: اشتباه مانع، مؤثر و غیرمؤثر. ضمانت اجرای اشتباه مانع، بطلان مطلق عقد، اشتباه مؤثر به‌طور معمول بطلان نسبی و سرانجام اشتباه غیرمؤثر فاقد ضمانت اجرا است (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019: 310.) n^{os}274. اشتباه مانع اشتباهی است که در آن رضا به‌کلی نابود می‌شود (Marty, 2024: 169.)



145 n^{os} T 1, 147 (Raynaud et Jestaz, 1988); به عبارت دیگر مانع توافق اراده‌ها است، (274 n^{os} 310 (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019); در عین حال در اشتباه مؤثر رضا موجود ولی معیوب است. جالب توجه است که قانون‌گذار فرانسوی در اصلاحات قانون مدنی ۲۰۱۶ از اشتباه مانع سخن نگفته است؛ با وجود این نویسندگان حقوق مدنی این کشور سکوت قانون‌گذار را به معنی حذف اشتباه مانع از نظام حقوقی فرانسه نمی‌دانند (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019: 310 n^{os} 274).

هدف از نگارش این مقاله شناخت ماهیت اشتباه و آثار آن است با استفاده از یافته‌های جدید حقوق فرانسه و اصلاحات اعمال‌شده در قانون مدنی ۲۰۱۶ و ارائه راهکار در برخی از مسائل غامض و پیچیده مربوط به اشتباه از جمله تبیین مبنا و جایگاه حدوث آن، تحلیل مفهوم خود موضوع معامله و معیار شناسایی آن، بطلان، عدم نفوذ یا ایجاد حق فسخ به عنوان اثر اشتباه در برخی فروض.

۲. ماهیت

اشتباه به معنی تصور غلط از واقع است؛ باور به این که چیزی نادرست، صحیح یا صحیح، نادرست است (766 Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2017: 1106 n^{os}); برخی از حقوق‌دانان فرانسوی اشتباه را به نبود تطابق و هماهنگی بین اراده‌ی درونی و اعلام‌شده تبیین کرده‌اند (Maurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2017: 1106 n^{os}).

۱. در حقوق فرانسه اشتباه مانع با عدم توافق اراده‌ها یکسان تلقی شده است (Dionisi-Peyrusse, 2008: T 2, 41). درحالی‌که در حقوق ایران و فقه امامیه نبود تطابق بین اراده‌ها با اشتباه دو مفهوم جداگانه است که یکی سبب تحقق عقد و دیگری مانع تأثیر قصد است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱: ج ۱، ۹۲؛ شهیدی، ۱۳۸۸ (الف): ۲۲۲). در واقع «عقد» یک امر وجدانی است که از ارتباط ایجاب و قبول حاصل می‌شود؛ هنگامی که یکی بیع و دیگری هبه یا یک طرف فروش خودرو و طرف دیگر خرید خانه را انشا می‌کند معنی واحد از این دو انشا محقق نمی‌شود زیرا ارتباطی بین آن دو وجود ندارد (نائینی، ۱۴۳۸: ج ۱، ۲۵۶). در عین حال در فرضی که اشتباه رخ می‌دهد ربط و قرار بین ایجاب و قبول برای تحقق معنی واحد برقرار است ولی اشتباه از تشکیل آن معنی جلوگیری می‌کند.

497 n^{os} 212 (2016). عده‌ای هم معتقدند که اگرچه مفهوم رایج اشتباه از مفهوم حقوقی آن متفاوت است، با وجود این از تلفیق آن دو مفهوم می‌توان گفت اشتباه در اصطلاح حقوقی بازنمایی نادرست واقعیت است (Fages, 2022-2023: 108). 107 n^{os}.

در حقوق ایران اراده به قصد و رضا تفکیک می‌شود؛ قصد عنصر سازنده عقد و رضا شرط تأثیر و نفوذ آن است؛ بنابراین عقد در جایی که قصد معیوب شود، باطل و جایی که رضا معیوب شود به‌طور معمول غیرنافذ می‌شود؛ البته در برخی موارد نیز ضمانت اجرای عیب رضا وجود حق فسخ^۲ و در موارد دیگر فاقد ضمانت اجراست (نک شهیدی، ۱۳۸۸: ۲۲۰). برعکس، در حقوق فرانسه اراده به قصد و رضا تقسیم نمی‌شود و عنصر سازنده عقد، رضا «consentement» است. رضا در قانون مدنی فرانسه همانند ایران تعریف نشده است؛ با وجود این در اصلاحات ۲۰۱۶ وجود رضا^۳ (ماده ۱۱۲۹) از عیوب آن؛ (مواد ۱۱۳۰ تا ۱۱۴۴) متمایز شده و همچون سابق تحقق رضا منوط به وجود سه شرط است: یکی وجود اراده باطنی سالم، دوم اعلام اراده (ماده ۱۱۲۳) و سوم توافق دو اراده (ماده ۱۱۱۳)؛ بنابراین رضا به اراده «La volonté» مربوط است که با برخی اختلالات روانی منتفی می‌شود؛ در صورتی که رضا مفقود یا معیوب باشد به ترتیب منتهی به بطلان مطلق و نسبی عقد می‌شود (Flour, Aubert et Savaux, 2022: 241 n^{os} 186).

پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که آیا اشتباه عیب قصد یا مورد معامله است؟ به عبارت دیگر با بروز اشتباه اراده در آستانه‌ی مخدوش شدن قرار می‌گیرد یا اینکه به موضوع معامله خلل وارد می‌شود؟

این پرسش از آنجا ناشی می‌شود که از یک‌طرف اشتباه در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰

۲. «فقه در باب اختلال رضا حکم به خیار می‌کند ولی در حقوق فرانسه در باب اشتباه (معیوب کننده رضا) حکم به عدم نفوذ می‌کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۱۳).

3. L'existence du consentement.

4. Les vices du consentement.



قانون مدنی ذیل عنوان «در قصد طرفین و رضای آن‌ها» و از طرف دیگر در مقررات مربوط به عقد بیع ماده‌ی ۳۵۳ که در مورد تخلف از جنس است، ذیل عنوان «مبیع» بیان شده است.

در قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ مقررات اشتباه در بند دوم زیربخش نخست از بخش دوم فصل دوم از عنوان سوم کتاب سوم، مواد ۱۱۳۰ تا ۱۱۳۶، تحت عنوان عیوب رضا «Les vices du consentement» آمده است. حقوق‌دانان این کشور نیز اشتباه را مخدوش‌کننده‌ی رضا می‌دانند؛ به‌طوری‌که اگر طرف قرارداد واقعیت را می‌دانست، حاضر به انجام معامله نمی‌شد (Fages, 2022-2023: 109 n^{os}109)؛ در نتیجه اراده واقعی به انعقاد قرارداد را در آن شرایط نداشته است (Bénabent, 2016: 79 n^{os}90)؛ بنابراین حقوق‌دانان فرانسوی اشتباه را به شرایط متعاقدين مرتبط می‌دانند و آن را عیب قصد معرفی می‌کنند (Bénabent, 2016: 79 n^{os}90)؛ با وجود اینکه معتقدند وصف اساسی، وصف مال است (Marty, Raynaud et al., 1988: T 1, 137 n^{os}139).

در همین راستا ظاهر کلام برخی از فقها حکایت از آن دارد که اشتباه در جنس به قصد بازگشت دارد؛ زیرا شخص با اعتقاد بر اینکه عین معین موضوع معامله متصف به یک عنوان خاصی است آن را معامله می‌کند درحالی‌که با آنچه در خارج موجود است مغایرت دارد؛ به عبارت دیگر متعلق قصد شخص بر مبنای اعتقادی که او دارد اولاً و بالذات عین معین موجود در خارج می‌باشد که به عنوانی خاص متصف است درحالی‌که بنا به فرض با آن موجود خارجی مغایرت دارد (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۱،

۵. در رویه قضایی ایران نیز همین اعتقاد وجود دارد: «...چنانچه تصویری که مبنای تکوین اراده قرار گرفته است با واقع مخالف باشد به‌طور حتم و مسلم چنین اراده‌ای معلول و ناقص است و نمی‌تواند آثار قصد و رضای متعارف را داشته باشد...» (دادنامه شماره ۱۸۸۰۲۲۱۸۰۰۹۵۰۹۹۷۰۱۳۹۵، شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر تهران).

۶. در حقوق موضوعه نیز اشتباه در صورت عرفیه موضوع مصداق بارز تخلف عقد از قصد معرفی شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۸۱).



۲۸۱-۲۸۲)؛ در نتیجه آنچه قصد کرده واقع نشده و آنچه واقع شده قصد نکرده است.^۷ در مقابل، می‌توان گفت موضوع معامله از طریق علم به جنس، وصف و مقدار آن معلوم می‌شود؛ وصف در معنی اعم شامل جنس، مقدار و وصف در معنی اخص است. وصف گاهی جنبه‌ی جوهری دارد؛ یعنی صورت نوعیه و عرفیه که موضوع معامله با آن قوام می‌یابد؛ مانند یک لباس ابریشمی که از نظر عرفی^۸ قوام آن به وصف ابریشمی است؛ به‌طوری‌که اگر موضوع عقد بیع قرار گیرد و پس از آن آشکار شود که از جنس پنبه بوده است می‌توان گفت چیزی که در خارج موجود است (پارچه‌ی پنبه‌ای) بیع بر آن واقع نشده است و آنچه مبیع قرار گرفته و عقد بر آن واقع شده است (پارچه‌ی ابریشمی)، در خارج موجود نیست (خویی، ۱۴۴۰: ج ۱، ۴۱۶)؛ به دیگر سخن عنوان مبیع در نظر عرف قوام دهنده‌ی بیع است و با فقدان آن عنوان بیعی وجود ندارد (تبریزی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۳۲۳).^۹ جالب توجه است که در اشتباه در فرض بالا عنوان از معنوی تخلف می‌کند؛ وانگهی با توجه به اینکه ارزش اشیا بر اساس اوصاف آن ارزیابی می‌شود، اگرچه در مقابل اوصاف فی‌نفسه مالی قرار نمی‌گیرد ولی در واقع اوصاف واسطه‌ی استقرار مالیت برای اشیا هستند؛ به عبارت دیگر اشیا بر اساس اوصافی که دارند دارای مالیت می‌شوند؛ بر بنیاد این عقیده می‌توان شرط معلوم بودن موضوع معامله را ناشی از لزوم مالیت داشتن آن دانست؛ حتی در فرضی که تخلف از مقدار و وصف در معنی اخص اتفاق می‌افتد از مالیت مال کاسته می‌شود و ضرر در مال پدید می‌آید که ضمانت اجرای مدنظر نیز بر بنیاد همین مبنا استوار می‌شود؛ در نتیجه اشتباه، تخلف از وصف در معنی اعم است که به مورد معامله مربوط می‌شود (خویی، ۱۴۴۰: ج ۳، ۵۵۲)؛ مناط مالیت اموال

۷. لَأَنَّ مَا قَصِدَ لَمْ يَقَعْ وَ مَا وَقَعَ لَمْ يَقْصَدْ

۸. صرف‌نظر از اینکه از نظر عقلی هم موضوع به آن وصف قوام پیدا می‌کند یا نه.

۹. در عین حال این فقیه در جایی دیگر چنین می‌گوید: «... إِذَا كَانَ الْعَنْوَانُ مَقْوَمًا لِلْمَبِيعِ، كَمَا إِذَا كَانَ مِثْلَ عَنْوَانِ الْفَرَسِ وَ بَاعَ الْحَيَوَانَ بِعَنْوَانِهِ فَبَانَ حَمَارًا حَكْمَ بَبْطَلَانِ الْبَيْعِ؛ لَأَنَّ قَصْدَ الْبَيْعِ يَتَعَلَّقُ بِعَنْوَانِ الْفَرَسِ ...». (تبریزی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۳۲۳).



نیز صورت نوعی و عرفی آن است؛ بدون وجود تفاوت در اینکه صورت نوعی مال موضوع، وصف یا شرط باشد؛ به عنوان مثال تفاوتی ندارد که گفته شود این خروار گندم را فروختم یا این خروار را فروختم که گندم است یا اینکه این خروار را فروختم به شرط اینکه گندم باشد (نائینی، ۱۴۳۳: ج ۲، ۳۷۴).

پاسخ به پرسش مطرح شده در بالا دائر مدار آن است که آیا موضوع معامله متعلق قصد طرفین قرار می‌گیرد یا نه؟ شاید این گونه به نظر آید که موضوع نمی‌تواند متعلق قصد باشد؛ بلکه طرفین، قرارداد را قصد می‌کنند و موضوع خارجی محلی است که قرارداد بر آن واقع می‌شود؛ به عبارت دیگر اشتباه اعتقاد نادرست از واقع و عالم خارج است؛ همین اعتقاد نادرست مولد اراده است بدون آنکه جنس به طور مستقیم متعلق اراده باشد؛ بلکه متعلق اراده افعال است و فعل به خارج تعلق می‌یابد (ایروانی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۲۹)؛ یعنی اعتقاد نادرست، شخص را به انجام معامله رهنمون می‌کند و معامله بر موضوع خارجی واقع می‌شود که متصف به عنوان خاصی است؛ درعین حال به نظر می‌رسد که طرفین در زمان انشای معامله، قرارداد را مجرد از موضوع مورد قصد قرار نمی‌دهند بلکه قرارداد را با آن موضوع خاص اراده می‌کنند؛^{۱۰} در نتیجه اشتباه در آن موضوع را باید مربوط به قصد و عیب اراده دانست. به تعبیر برخی از حقوق دانان: «هر تراضی ناچار موضوعی دارد که وابسته بدان و تجزیه ناپذیر است. تراضی مجرد از موضوع خود نمی‌تواند مفهومی داشته باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ج ۴، ۱۴۵).^{۱۱}

جالب توجه است که هرچند اشتباه به طور معمول عیب قصد محسوب می‌شود؛

۱۰. برای ملاحظه‌ای اختلاف نظری که در بالا اشاره شد دو عبارت روبرو را با هم مقایسه کنید: «لأن ما قصد وقوع البيع عليه لم يقع في الخارج، و ما وقع عليه البيع لم يكن مقصودا...» (سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۱۸، ۱۴)؛ «لأن ما وقع عليه البيع لا تحقق له في الخارج، وما له تحقق لم يقع عليه البيع...» (روحانی، ۱۴۳۵: ج ۲۱، ص ۹۸).

۱۱. همچنین می‌توان گفت اگرچه تخلف از جنس به موضوع بازگشت دارد، ولی سبب و منشأ تخلف اشتباه است؛ چنانکه برخی از اساتید اعلام می‌کنند: اشتباه مانع تراضی را در فقه و قانون مدنی زیر عنوان تخلف باید جستجو کرد «زیرا سبب تخلف غالباً اشتباه است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۱۳).



ولی در مواردی نیز رضا را مختل می‌کند. به عنوان مثال جایی که شخص مالی را به نحو فاحش گران‌تر از قیمت می‌خرد؛ اگر به قیمت واقعی آگاه باشد راضی به این معامله نمی‌شود؛ قانون‌گذار ضمانت اجرای فقدان رضا در این فرض را ایجاد حق فسخ — نه عدم نفوذ — دانسته است.

۳. آثار

اشتباه گاهی در وضعیت عقد مؤثر و گاهی بی‌تأثیر است؛ این دوگانگی ناشی از وجود دو اصل کلی در قراردادها است: یکی اصل استحکام و ثبات قراردادها و دیگری اصل عدالت قراردادی؛ از یک طرف، اقتضای اصل ثبات آن است که روابط قراردادی از استحکام برخوردار باشد تا به سادگی دچار تزلزل نشود؛ از طرف دیگر روابط قراردادی باید یک حداقلی از عدالت را رعایت کند تا چنین رابطه‌ای شخص را برخلاف آنچه خواسته است متعهد نکند؛ زیرا در اصل شخص متعهد می‌شود به آنچه واقعاً اراده کرده است (Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 213 n^{os}499).

در حقوق فرانسه اشتباه گاهی نابودکننده‌ی رضا، گاهی معیوب‌کننده‌ی آن و سرانجام گاهی در آن بی‌اثر است و اعتبار عقد را مخدوش نمی‌کند (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019: 310 n^{os}274)؛ به همین ترتیب در حقوق ایران اشتباه گاهی موجب بطلان عقد و گاهی موجب حق فسخ است و در برخی از موارد نیز تأثیری در عقد ندارد؛ که در سه قسمت به صورت جداگانه مطالعه می‌شود:

۳-۱. اشتباه مانع (مبطل عقد)

اشتباه مانع اشتباهی است که قصد (در حقوق فرانسه رضا) را نابود می‌کند، در واقع از تلاقی اراده‌ها جلوگیری می‌نماید (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019: 310 n^{os}274). اگرچه از نظر منطقی بین اشتباه با نبود توافق اراده‌ها تمایز



وجود دارد؛ درعین حال حقوق دانان فرانسوی بین این دو تفکیکی قائل نمی‌شوند؛ جالب توجه است که از کلام برخی از ایشان روشن می‌شود که این تمایز را دریافته‌اند ولی با توجه به اینکه تمایز بین عدم و بطلان قرارداد را فاقد ثمره‌ی عملی می‌دانند از آن صرف نظر کردند. به عنوان مثال برای فرضی که اراده‌ها موافق نیست به تصور اشتباه طرفین در ماهیت قرارداد یا هویت موضوع آن مثال می‌زنند؛ جایی که یکی بیع و دیگری اجاره یا اینکه فروشنده فروش این مال و خریدار خرید مال دیگر را قصد می‌کنند؛ درعین حال تخلف از اوصاف اساسی را نیز اشتباه می‌دانند (Maurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 216 n^{os}503). در اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه از اشتباه مانع صحبتی نشده است؛ با وجود این نویسندگان حقوق مدنی فرانسه این سکوت را به معنی حذف مفهوم اشتباه مبطل عقد نمی‌دانند (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019: 310 n^{os}274).

۳-۱-۱. اشتباه در ماهیت عقد

با توجه به تقسیم‌بندی که در آثار نویسندگان حقوق مدنی فرانسه دیده می‌شود اشتباه در ماهیت عقد به عنوان اشتباه مانع شناخته می‌شود؛ به عنوان مثال در جایی که طرفین قراردادی را منعقد می‌کنند به اعتقاد اینکه یکی مالی را به دیگری اجاره می‌دهد، درحالی که طرف مقابل تصور خرید آن را دارد یا آنجا که فروشنده قصد فروش مالش را دارد ولی خریدار تصور می‌کند ثمن تعیین شده ظاهری است و فروشنده قصد بخشش دارد؛ حتی تصور غلط از اثر اصلی قرارداد یا خصوصیتی از آن از مصادیق اشتباه دانسته شده است، مانند جایی که بیمه‌گذار تصور می‌کند با یک شرکت بیمه با حق بیمه‌ی ثابت قرارداد منعقد می‌کند؛ درحالی که با یک شرکت چندجانبه وارد معامله شده است و به عنوان شریک آن شرکت ظاهر می‌شود یا در جایی که اعتقاد طرف قرارداد ایجاد عقد منجز است حال آنکه موضوع بر سر یک عقد معلق است. با وجود این عدم تطابق بین اراده‌ی دو طرف را نمی‌توان از مصادیق اشتباه



دانست؛ تمامی فروض اشاره شده در بالا از موارد نبود توافق در اراده‌ها است؛ چنانکه همان نویسندگان فرانسوی که در بالا اشاره شد معتقدند در آن فروض قصد مشترک طرفین مخدوش است.^{۱۲}

۲-۱-۳. اشتباه در جنس مورد معامله (عین معین)

منظور از اشتباه در موضوع قرارداد گاهی اشتباه در هویت و گاهی در ماهیت آن است. اشتباه در هویت موضوع مانند آنکه فروشنده قصد فروش یک قطعه زمین مشخص را دارد در صورتی که خریدار قصد خرید قطعه زمین هم‌جوار آن را کرده است یا آنجا که فروشنده بیع جز مشاع از ملکی و خریدار کل آن را قصد کرده است (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019: 311 n^{os}277). اگرچه در حقوق فرانسه این فرض به عنوان اشتباه مانع شناسایی می‌شود ولی در واقع از مواردی است که بین اراده‌ی طرفین مطابقت وجود ندارد؛ یعنی قصد یک طرف به یک موضوع و قصد طرف دیگر به موضوعی دیگر تعلق یافته است.

نوع دیگر، اشتباه در ماهیت موضوع است؛ ماده‌ی ۲۰۰ قانون مدنی اشتباه در «خود موضوع» را موجب بطلان معامله دانسته است، نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که منظور از «خود موضوع معامله» چیست؟

در ماده‌ی ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه ۱۸۰۴ عبارت «la substance même de la chose qui en est l'objet» به کار رفته بود که به معنی خود ذات (ماهیت) مالی است که موضوع (معامله) می‌باشد؛ البته عبارت یادشده در حقوق آن کشور سبب ایجاد اختلاف شده بود.^{۱۳} منظور از «substance» ماده‌ی تشکیل‌دهنده‌ی موضوع است (Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2017: 771 n^{os}1116)؛ در بند ۱ ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ عبارت «Les qualités essentielles» به معنی

12. La commune intention des parties fait défaut. (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019: 311 nos276).

۱۳. گروهی معیار تشخیص اوصاف اساسی را عینی و برخی شخصی معرفی می‌کردند.



اوصاف اساسی، آمده است. این اوصاف ممکن است مادی یا حقوقی^{۱۴} باشد. پرسش این است که چگونه می‌توان اوصاف اساسی را تشخیص داد؟ در برخی از متون قانونی فرانسه به اوصاف اساسی اشاره شده است؛ به‌عنوان مثال در بیع عمومی آثار هنری، فرمان ۳ مارس ۱۹۸۱ تصریح می‌کند به اوصافی که باید به اطلاع طرف دیگر برسد و معانی آن‌ها نیز مشخص شود؛ عدم دقت یکی از طرفین در واقع یک اشتباه را به دنبال دارد؛ درعین حال رویه قضایی فرانسه در این زمینه متغیر و بی‌ثبات است (Bénabent, 2016: 81 n^{os}93).

با وجود این جایی که در قانون مشخص نشده، معیار ارزیابی شخصی^{۱۵} است؛^{۱۶} منتها در این ارزیابی رضای طرفین قرارداد -نه طرفین نوعی- در نظر گرفته می‌شود (بند ۲ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶)؛ به عبارت دیگر باید وصفی در نظر گرفته شود که طرف قرارداد اساسی فرض کرده است (Bénabent, 2016: 81 n^{os}93). در معیار شخصی خود موضوع، آن ویژگی یا ویژگی‌هایی است که نزد طرف قرارداد تعیین کننده است؛ به طوری که اگر می‌دانست آن وصف مفقود است حاضر به انعقاد معامله نمی‌شد (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019: 314 n^{os}280). این در حالی است که در فقه امامیه معیار تشخیص خود موضوع معامله «نوعی» است؛ یعنی آن غرض معاملی مدنظر است که نزد نوع عقلا قوام دهنده‌ی موضوع است (کمپانی اصفهانی، ۱۴۳۱: ج ۳، ۳۲۸)؛ در معیار عینی (نوعی) خود موضوع عناصر و مولکول‌های تشکیل دهنده‌ی آن است. به عنوان مثال در ضابطه‌ی عینی هنگامی که شخص یک شمع‌دان برنزی را خریداری می‌کند به تصور اینکه نقره است دچار اشتباه در خود موضوع می‌شود؛ ولی مطابق با ضابطه‌ی شخصی هنگامی که شمع‌دان مدنظر را خریداری می‌کند با اعتقاد به اینکه توسط زرگر معروفی ساخته

۱۴: مانند قابل ساخت بودن یا نبودن زمین فروخته شده.

۱۵. *In concreto*

۱۶. برای دیدن نظر مخالف در حقوق انگلیس (نک نوتی زهی، قنواتی، ۱۴۰۰: ۱۳۷).



شده که او آثارش را جمع‌آوری کرده است؛ ولی آشکار می‌شود که کار او نبوده اشتباه در وصف اساسی موضوع اتفاق افتاده است (Cabrillac, 2016: 74 n^{os}59). جالب توجه است که با پذیرش معیار شخصی اشتباه در موضوع قرارداد نسبت به اموال غیرمادی نیز قابل تصور است (Fages, 2022-2023: 111 n^{os}112).

اگرچه اصطلاح «substantielles» که قانون مدنی فرانسه ۱۸۰۴ به کار برده با «essentielles» که در قانون مدنی ۲۰۱۶ استفاده شده است از نظر محتوا، معنای یکسان دارد؛ درعین حال قانون اخیر همگام با رویه‌ی قضایی به طور ضمنی معیار شخصی را انتخاب کرده است (Terré, Simler, Lequette et Chénéde, 2019: 314 n^{os}279)؛ زیرا قانون‌گذار فرانسوی با به کار بردن «convenues» و «en considération» در ماده‌ی ۱۱۳۳ قانون مدنی ۲۰۱۶ توافق نسبت به وصف اساسی و در نظر گرفتن آن وصف را لازم می‌داند؛ به عبارت دیگر این وصف باید داخل در حدود قلمرو قراردادی باشد تا خطر بطلان را محدود کند به آنچه طرفین پذیرفته‌اند؛ البته این توافق می‌تواند صریح یا ضمنی باشد؛ جالب توجه است که لزوم این شرط در ماده‌ی ۱۱۳۰ آن قانون در مورد عیوب اراده نیز مورد اشاره قرار گرفته است (Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 213 n^{os}499).

عمل دادگاه‌ها در آشکارکردن وصف اساسی موضوع این گونه است: اگر وصف در نظر نوع افراد اساسی باشد، اشتباه در آن به بطلان قرارداد منتهی می‌شود؛ مانند اصالت یک اثر هنری. این بطلان از آنجا ناشی می‌شود که خریدار به اصالت آن اثر معتقد یا فروشنده از آن بی‌خبر بوده است (Bénabent, 2016: 81 n^{os}93). جالب توجه است که اساسی بودن وصف در نظر نوع افراد ظهور در آن دارد که طرفین قرارداد نیز آن را به طور ضمنی پذیرفته‌اند. به عبارت دیگر برای تشخیص وصف ذاتی ظاهر آن است که اراده‌ی طرفین از همان صورت نوعیه تبعیت می‌کند و مدعی جوهری بودن وصف برخلاف صورت نوعیه ناگزیر از اثبات آن است؛ تشخیص صورت نوعیه‌ی موضوع نیز بر اساس عرف است (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۵، ۲۵۶)؛ همچنین اگر



طرف قرارداد استناد کند به اوصافی که برای او اساسی و تعیین‌کننده است، باید ثابت کند که آن را به طرف دیگر اطلاع داده است؛ به عبارت دیگر موضوع بر سر یک وصف اساسی است که در نظر دو طرف قرارداد مورد شناسایی و توجه قرار گرفته باشد (Bénabent, 2016: 82 n^{os}93; Dionisi-Peyrusse, 2008: T 2, 41). ضرورت شرط اخیر به این دلیل است که وصف باید در قلمرو تراضی داخل شود تا اشتباه در آن مؤثر باشد؛ بنابراین در رویه قضایی و نظر برخی از حقوق‌دانان فرانسه دو معیار نوعی و شخصی به هم نزدیک می‌شود؛ در واقع از یک طرف با پذیرش مبنای تبعیت عقد از اراده باطنی (ماده ۱۹۱ قانون مدنی) و از طرف دیگر اینکه دادرس برای آشکار کردن اراده در بسیاری از موارد ناگزیر از مراجعه به قرائن و شواهد عرفی است می‌توان همین معیار را در حقوق ایران نیز پذیرفت.^{۱۷}

استثنا: در عقود احتمالی^{۱۸} به سبب اشتباه در موضوع نمی‌توان بطلان قرارداد را درخواست کرد؛ در واقع در قراردادهای احتمالی نمی‌توان به اشتباه استناد کرد زیرا طرفین ریسک این قراردادها را پذیرفته‌اند (بند ۳ ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶)؛ به عنوان مثال بیع یک تابلوی نقاشی که اصالت آن احتمالی است^{۱۹} یا زمینی که روشن است به صورت جزئی احتمال سیل‌گیربودن آن می‌رود یا خریدار یک شرکت ورشکسته که دیون و تعهدات آن را می‌پذیرد، از جمله مصادیقی می‌باشد که در آن طرف قرارداد ریسک معامله را پذیرفته است (Bénabent, 2016: 82 n^{os}94)؛ در واقع اعتقاد شخص مخالف واقع نبوده است (Porchy-Simon Stéfanie, 2016: 89. n^{os}168).

۱۷. چنانکه در رابطه با کاربری ملک در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۸۰۰۱۱۱۰۱۰۹۷ شعبه ۱۰۴ دادگاه حقوقی تهران آمده است: «وصف مزبور، وصف جانشین ذات بوده و ماهیت عرفی و حقوقی مورد معامله را تشکیل داده...».

۱۸. عقود احتمالی گاهی به طور ذاتی و گاهی بر اساس اراده طرفین احتمالی است. (نک ریاحی و جعفری فشارکی، ۱۴۰۱: ۱۶۳-۱۷۴).

19. Cass. civ. 1re, 22février 1978, n°76-11551; Cass. civ. 1re, 13 déc. 1983, n° 82-12237(Buy, 2016: 51)



در فرانسه جمله‌ای معروف است که «شانس اشتباه را از بین می‌برد»^{۲۰}؛ البته حقوق‌دانان این کشور این جمله را به‌طور کامل صحیح نمی‌دانند؛ زیرا ممکن است از نظر منطقی یکی از طرفین قرارداد غافل باشد از اینکه «احتمال» وجود داشته یا برعکس به اشتباه اعتقاد به آن داشته است. همین‌طور ممکن است اشتباه نسبت به عامل ارزیابی احتمال واقع شده باشد؛ به‌عنوان مثال آنچه در حقوق بیمه نگرانی از نظام خاص اعلام اشتباه خطرات وجود دارد (Art. L. 113-8 et L. 113-9 du Code des assurances)

پرسش این است که آیا در حقوق ایران نیز در رابطه با اشتباه در عقود احتمالی (مانند گروبندهی در سوارکاری، تیراندازی و شمشیرزنی) عقیده‌ی بالا قابل پذیرش است؟ پاسخ منفی است؛ زیرا در حقوق ایران مشابه حکم مندرج در بند ۳ ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ وجود ندارد، بنابراین احکام آن مشمول عمومات عقود می‌شود؛^{۲۱} در فقه امامیه نیز گروهی آن را در حکم جعاله و عده‌ای در حکم اجاره دانسته‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۲۱، ۲۸۳؛ حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۸۸).

پرسشی که پاسخ به آن دارای اهمیت است اینکه ضمانت اجرای اشتباه در مورد معامله بطلان یا عدم نفوذ قرارداد است؟ در این رابطه در بعضی از مواد قانون مدنی تعارض وجود دارد؛ به‌طوری‌که از یک طرف در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ موجب عدم نفوذ معامله و از طرفی دیگر در مواد ۳۵۳ و ۷۶۲ موجب بطلان عقد معرفی شده است. در نگاه نخست می‌توان گفت حکم عدم نفوذ که در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ آمده است قاعده‌ی عمومی و حکم بطلان در مواد ۳۵۳ و ۷۶۲ که به ترتیب در بیع و صلح بیان شده، حکمی استثنایی است. درعین‌حال جدا کردن اثر اشتباه در بیع و صلح به عنوان یک حکم استثنایی، قابل قبول نیست؛ زیرا دلیلی برای این دوگانگی وجود ندارد.

20. «L'aléa chasse l'erreur».

۲۱. «... و هو یفتقر مضافاً إلی ما یعتبر فی غیره من العقود من البلوغ والعقل ونحوهما...» (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۸، ص ۲۲۲).



در حقوق فرانسه در فرضی که اشتباه رضا ۲۲ را معیوب می‌کند موجب بطلان نسبی قرارداد می‌شود؛ درعین حال جایی که اشتباه تنها عیب رضا نیست بلکه آن را به‌طور کامل نابود می‌کند، مانع تحقق قرارداد و موجب بطلان مطلق می‌شود (Marty, Raynaud et Jestaz, 1988: T 1, 147 n^{os}145; Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 216 n^{os}503)؛ در اصل برای درخواست بطلان مطلق اقامه دعوی ضرورت ندارد (Bénabent, 2016: 80 n^{os}91)؛ مصادیقی که در آن اشتباه منتهی به بطلان مطلق قرارداد می‌شود عبارتند از: اشتباه در هویت موضوع، اشتباه در هویت شخص طرف (در فرضی که شخصیت علت عمده است)، اشتباه در ماهیت عقد و اشتباه در علت (مواد ۱۱۰۹ و ۱۱۳۱ قانون مدنی ۱۸۰۴) (Marty, Raynaud et Jestaz, 1988: T 1, 147 n^{os}145).

در فقه امامیه نیز تخلف از اوصافی که قوام دهنده‌ی موضوع است و در نظر عرف صورت نوعیه‌ی آن را تشکیل می‌دهد، منتهی به بطلان قرارداد می‌شود (خویی، ۱۴۴۰: ج ۳، ۵۵۲).

بنابراین در جمع بین مواد یادشده در بالا می‌توان حکم عدم نفوذ مندرج در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ را به معنی اعم حمل کرد که شامل بطلان و عدم نفوذ به معنی اخص می‌شود؛^{۲۲} یعنی اثر اشتباه در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ نیز به موازات آنچه در مواد ۳۵۳ و ۷۶۲ آمده، بطلان عقد است.

در حقوق فرانسه به جز بطلان قرارداد ضمانت اجرای دیگری هم بر مبنای مسئولیت مدنی برای قربانی اشتباه در نظر گرفته شده است؛ به‌عنوان مثال خریدار

۲۲. در حقوق فرانسه بین قصد و رضا تفکیک به‌عمل نیامده است و آنچه که عمل حقوقی بر مبنای آن تشکیل می‌شود، رضا است.

۲۳. برخی از حقوق‌دانان داخلی حکم عدم نفوذ را در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ به معنی اصطلاحی حمل می‌کنند و حکم بطلان را در ماده ۳۵۳ ناظر به اشتباه در وصف جوهری می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۴۵)؛ البته ایشان در جایی دیگر «خلل» در ماده ۲۰۱ را به بطلان -نه عدم نفوذ- تعبیر می‌کنند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۸۶-۱۸۳).



اشتباه‌کننده می‌تواند به طرفیت فروشنده، مأمور یا کارشناس ارزیاب دعوی خسارت اقامه کند؛ البته اثبات تقصیر و ضرر وارده بر عهده‌ی زیان‌دیده است. جالب توجه است که در رویه معاصر در فرانسه اقامه دعوی مطالبه خسارت در حال گسترش است و به تدریج جایگزین دعوای بطلان می‌شود. این رویه تجدید دوباره ارجاع قدیمی به جرم مدنی است که در حقوق رم مبنای عیوب اراده بوده است (Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 215 n^{os}502). به عبارت دیگر این ضمانت اجرا بر مبنای مسئولیت مدنی قراردادی توجیه نمی‌شود؛ زیرا قرارداد با اشتباه باطل شده است در نتیجه بر بنیاد مسئولیت مدنی غیرقراردادی (ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی ۲۰۱۶) استوار است (Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2017: 782 n^{os}1126)؛ اگرچه در حقوق ایران با اثبات ارکان مسئولیت مدنی می‌توان به عامل زیان مراجعه کرد؛ با وجود این وضعیت قرارداد باطل را نمی‌توان تغییر داد؛ مگر آنکه با مراجعه خریدار متضرر به فروشنده روشن شود که ایشان انعقاد قراردادی جدید را قصد کرده‌اند.

۳-۱-۳. اشتباه در شخص طرف معامله

به‌طورمعمول اشتباه در شخص طرف تأثیری در قرارداد ندارد و تنها زمانی موجب بطلان عقد می‌شود که شخصیت او علت عمده‌ی عقد باشد. در حقوق فرانسه نیز تنها در قراردادهایی که شخصیت طرف علت عمده‌ی عقد است؛^{۲۴} اشتباه در آن منتهی به بطلان قرارداد می‌شود؛ تعداد این قراردادها در حقوق فرانسه زیاد است؛ به‌عنوان مثال در قراردادهای رایگان شخصیت طرف وصف اساسی است زیرا شخص حاضر نمی‌شود به‌طور رایگان کاری را برای هرکسی انجام دهد؛ همچنین قراردادهای با موضوع تعهد به انجام خدمت در زمره‌ی این قراردادها است؛ مانند قرارداد کار، وکالت، پیمانکاری و قرارداد شرکت نیز قراردادی است که شخصیت طرف جنبه‌ی تعیین‌کننده دارد؛ درعین حال در

^{۲۴}. *Intuitu personae*.



قراردادهایی که موضوع آن کالا است به‌طور معمول شخصیت طرف علت عمده‌ی عقد نیست؛ چنانکه در بیع و اجاره شخصیت فروشنده یا موجر برای طرف دیگر قرارداد اهمیتی ندارد؛ مگر در موارد خاص. به‌عنوان مثال در بیع نسیه توانایی خریدار در پرداخت مدنظر قرار می‌گیرد؛ همچنین در عقد اجاره اغلب شخصیت مستأجر تعیین‌کننده است.

این نکته در خور توجه است که در تقسیم‌بندی فرانسوی گاهی اشتباه در هویت و گاهی در اوصاف اساسی شخص صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که در نوع نخست هنگامی‌که موجب ایجاب خود را برای شخص با هویت خاص انشا کرده است با قبول آن شخص، عقد (به‌عنوان معنی واحد) قابل تحقق است؛ به‌عبارت دیگر با قبول شخصی دیگر اساساً توافق بین دو اراده حاصل نمی‌شود؛ حاصل آنکه فرض یادشده مصداق اشتباه قلمداد نمی‌شود؛ مانند آنکه شخص مالی را به حسین می‌بخشد درحالی‌که بعداً آشکار می‌شود متبذ شخص دیگری بوده است. در حقوق فرانسه این قسم به‌عنوان اشتباه مانع شناخته می‌شود؛ یعنی اشتباهی که در آن رضا به‌کلی مفقود است (Maurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 216 n^{os}503)؛ درعین حال نوع دوم، مصداق اشتباه مؤثر است که رضا در آن معیوب می‌شود؛ مانند آنکه شخص به تصور اینکه مقرض به خوش‌حسابی شهرت دارد مالی را به او قرض می‌دهد درحالی‌که پس از آن مشخص می‌شود فاقد آن وصف است.

۳-۱-۴. اشتباه در علت

در حقوق فرانسه علت از عناصر اساسی قرارداد است؛ بنابراین اگر یکی از طرفین قرارداد به اشتباه معتقد به وجود آن یا تصور نادرستی از آن داشته باشد؛ رضای او مخدوش است. مطابق با ماده‌ی ۱۱۳۱ قانون مدنی فرانسه ۱۸۰۴ تعهد بدون علت یا با علت اشتباه یا غیرقانونی هیچ اعتباری ندارد؛ از این ماده استفاده می‌شد که اشتباه در علت، قرارداد را بی‌اعتبار می‌کند؛ به‌عنوان مثال یک شخص به تصور اینکه دیگری



فرزند طبیعی اوست متعهد می‌شود که نفقه‌ی وی را پرداخت کند؛ این تعهد معتبر نیست زیرا مشروط به وجود علت است (Marty, Raynaud et Jestaz, 1988: T 1, 146 n^{os}144)؛ به عبارت دیگر علت تعهد او وجود یک تعهد طبیعی است که در واقع موجود نیست (Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2017: 769 n^{os}1112)؛ همچنین یک شخص در مقابل بلایای آسمانی مبادرت به انعقاد قرارداد بیمه می‌کند بدون توجه به این‌که دیگری او را بیمه کرده است؛ در این فرض هم عقد به سبب اشتباه در علت باطل است (Marty, Raynaud et Jestaz, 1988: T 1, 146 n^{os}144)؛ یا جایی که شخص با تصور اینکه مسئول است متعهد به جبران خسارت می‌شود، درحالی‌که شرایط مسئولیت وی فراهم نیست. ۲۵

جالب توجه است که در اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه مفهوم علت « la notion de cause » حذف شده است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که در حال حاضر اشتباه در علت چه اثری در قرارداد دارد؟ برخی از حقوق‌دانان فرانسوی حذف علت در اصلاحات ۲۰۱۶ را به حذف آن از نظام حقوقی فرانسه تلقی نمی‌کنند و با استناد به بند ۲ ماده ۱۱۳۵ در تلاش برای توجیه نظریه‌ی علت هستند؛ اگرچه اشتباه در جهت در عقود معوض بی‌تأثیر است ولی مطابق با این بند قانون‌گذار اشتباه در جهت را در عقود رایگان سبب بطلان عقد معرفی می‌کند، زیرا با فقدان جهت رضا برای طرف عقد حاصل نمی‌شود؛ با استفاده از این بند می‌توان جای خالی علت «cause» را در قانون به صورت موقت پر کرد (Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2017: 769 n^{os}1112)؛ زیرا با پذیرش بطلان به سبب اشتباه در جهت در عطایا و بخشش‌ها ۲۶ حذف مفهوم علت جبران می‌شود که پیش از این به عنوان اشتباه مانع، منتهی به بطلان عقد می‌شد (Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2017: 769 n^{os}1112).

۲۵. برای دیدن مثال مشابه در «رد مظالم» در فقه امامیه نک (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۴۵ به نقل از طباطبایی یزدی، سؤال و جواب).

26. Les libéralités.



1132 n^{os} 785 (Terneyre, 2017). در عین حال برخی دیگر از حقوق دانان فرانسوی اشتباه در علت را به سبب حذف مفهوم علت در اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی، منسوخ می‌دانند (Fages, 2022-2023: 111 n^{os} 111).

به نظر می‌رسد در حقوق فرانسه -حتی قبل از اصلاحات ۲۰۱۶- و نیز در حقوق ایران نیازی به وجود نظریه علت نمی‌باشد؛ زیرا با تأمل در مصادیقی که در کتب حقوق دانان و رویه قضایی فرانسه اشاره می‌شود، به‌طور معمول اشتباه در علت به موضوع یا شخصیت طرف قرارداد مربوط می‌شود؛ به همین دلیل در اصلاحات جدید قانون مدنی نظریه علت حذف شده است. در حقوق ایران نیز گروهی از نویسندگان از اساس اشتباه در علت را به عنوان بحث مستقل مورد توجه قرار نداده‌اند و مصادیقی از اشتباه در علت را زیر عنوان اشتباه در شخص طرف معامله آورده‌اند (شهیدی، ۱۳۸۸ الف: ۱۶۶)؛ برخی دیگر نیز آن را به عنوان قاعده کلی و مستقل مورد انتقاد قرار داده و غیرضروری و زیان‌آور می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۴۵۸)؛ سرانجام گروهی هم که آن را تأیید می‌کنند برای توجیه آن در حقوق ایران به ماده ۳۶۱ قانون مدنی استناد می‌کنند که در مورد فقدان موضوع (مبیع) است (صفایی، ۱۳۸۸: ۸۸).

۳-۲. اشتباهی که موجب حق فسخ است

اثر اشتباه در برخی امور ایجاد حق فسخ است؛ از جمله اشتباه در اوصاف مهم و ارزش مورد معامله که در ادامه مطالعه خواهد شد.

۳-۲-۱. اشتباه در اوصاف مهم

گاهی وصف مدنظر قوام دهنده‌ی موضوع معامله نیست؛ بلکه جنبه‌ی فرعی و تبعی دارد؛ به‌طوری‌که با تغییر آن موضوع معامله دگرگون نمی‌شود. به عبارت دیگر وصف کمالیه است که سبب ایجاد میل و رغبت در موضوع و اختلاف قیمت آن می‌شود (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ج ۵، ۲۴۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ج ۴، ۳۰۱).



پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که آیا در فرض حاضر نیز اشتباه عیب اراده محسوب می‌شود یا نه؟ ممکن است چنین به نظر آید که اشتباه در مواردی که منتهی به ایجاد حق فسخ می‌شود بر مبنای لاضرر قابل توجیه است و در شمار عیوب اراده قرار نمی‌گیرد؛ بلکه تنها التزام به عقد لازم را زایل می‌کند؛ به عبارت دیگر فقدان وصف در قیمت موضوع معامله مؤثر است. کاهش مالیت منجر به ضرر طرف عقد می‌شود که با جعل حق فسخ آن ضرر جبران می‌شود؛ در مقابل می‌توان معتقد بود که وقتی وصف مقصود در موضوع مفقود باشد روشن می‌شود که طرف قرارداد در زمان انعقاد عقد راضی به انجام معامله نبوده است که قانون‌گذار در این فرض با وضع خیار امکان فسخ قرارداد و رهایی از معامله‌ای را فراهم کرده که در آن رضا معیوب بوده است. هرچند لاضرر می‌تواند حکمت حکم قلمداد شود؛ ولی آنچه علت ایجاد حق فسخ شده است نبود رضا در قرارداد است؛ بنابراین در این فرض اشتباه عیب رضا محسوب می‌شود.

اکنون پرسشی که مطرح می‌شود این است که اشتباه در وصف مهم چه اثری دارد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان به فروض مختلفی توجه کرد؛ فرض نخست جایی است که موضوع قرارداد عین کلی است؛ در این فرض وصفی که در قرارداد ذکر می‌شود قید موضوع است؛ یعنی وصف اصطلاحی نیست بلکه حدود قلمرو موضوع را روشن می‌کند (کمپانی اصفهانی، ۱۴۳۱: ج ۴، ۴۰۱)؛ بنابراین اگر در مقام وفا متعهد مصداقی را انتخاب کند که با موضوع عقد متفاوت است و وصف مدنظر را ندارد می‌توان او را ملزم به تبدیل و تحویل مصداقی منطبق با موضوع قرارداد کرد. فرض دوم صورتی است که موضوع قرارداد عین معین است. در این فرض بسته به این‌که وصف در چه قالبی مورد قصد طرفین قرار گرفته باشد، اثر اشتباه در آن متفاوت است:

نخست این‌که ممکن است صحت عقد به وصف معلق شده باشد؛ در این صورت تخلف از وصف منتهی به بطلان عقد می‌شود؛ زیرا عقد به وجود وصف مدنظر معلق



شده، درحالی‌که معلق‌علیه (وصف) واقع نشده است.

جالب توجه است که تعلیق عقد به وصف اساسی (صورت نوعیه)، تعلیق اصطلاحی نیست؛ زیرا عقد به شرایط صحت معلق شده است؛ در واقع تعلیق به اصل وجود موضوع قرارداد می‌باشد که بدون وجود آن عقد صحیح نیست.

دوم این‌که صفت به‌عنوان شرط یا وصف در عقد انشا شده باشد، در این صورت با تخلف از وصف، لزوم از عقد برداشته می‌شود و مشروطه به اعتبار خیار تخلف از شرط، تخلف وصف یا عیب قادر به فسخ عقد خواهد بود؛ به‌عنوان مثال در یک پرونده شخصی یک واحد آپارتمان به همراه انباری و پارکینگ به دیگری می‌فروشد، پس از آن آشکار می‌شود که آپارتمان فاقد انباری است. دادگاه با انطباق موضوع بر خیار عیب، خوانده را به پرداخت ارزش محکوم می‌کند؛ با این استدلال که «... فقدان انباری برای (مشابه) املاک یادشده عرفاً عیب محسوب می‌شود و عیب بر حسب عرف و عادت تشخیص داده می‌شود ...» (دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۲۳۹۰۰۰۲۸۵۰۱۸۶، ۱۴۰۰/۱۱/۱۸، شعبه نهم دادگاه حقوقی شهرکرد)؛ دادگاه تجدیدنظر نیز در تأیید رأی دادگاه بدوی چنین استدلال می‌کند: «ملکی که بین طرفین مورد معامله قرار گرفته با قید انباری بوده که وجود انباری از امکانات مؤثر در بهای ۲۷ ملک می‌باشد» (دادنامه شماره ۱۴۰۱۳۲۳۹۰۰۱۱۸۹۷۹۸، ۱۴۰۱/۵/۱۸، شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان چهارمحال و بختیاری)؛ نتیجه آنکه در این پرونده اشتباه در وصف عرفی منتهی به ایجاد خیار عیب و صدور حکم به پرداخت ارزش شده است.

در واقع در فرض دوم طرفین با انعقاد عقد بیع دو مطلوب را مدنظر قرار داده‌اند، یکی اصل مبیع و دیگری وصف آن که با منتفی شدن مطلوب دوم (وصف) خللی به معامله نسبت به مطلوب نخست وارد نمی‌شود و تنها حق فسخ به وجود می‌آید. بر مبنای همین استدلال است که به‌طور معمول فساد شرط موجب فساد عقد نمی‌شود

۲۷. به این اشاره دارد که وصف در ارزش موضوع، تأثیرگذار است و موجب ترغیب شخص به انجام معامله می‌شود هرچند قسمتی از ثمن در مقابل آن قرار نمی‌گیرد.



(طباطبائی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۵۹). درعین حال در فرض نخست طرفین نسبت به مطلوب واحد تراضی کرده‌اند؛ یعنی راضی به معامله نمی‌شوند مگر با وجود وصف مدنظر؛ در صورتی که وصف مفقود باشد عقد به لحاظ نبود قصد^{۲۸} باطل است (طباطبائی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۵۹).

گفتنی است که به اعتقاد برخی از فقها عین معین این قابلیت را ندارد که همانند عین کلی به قیدی مقید شود؛ زیرا موجودیت عین معین به همان کیفیتی است که در خارج وجود دارد و نمی‌توان موجودیت آن را با اضافه کردن قید تغییر داد؛ در این صورت قید با در نظر گرفتن اراده‌ی طرفین به تعلیق یا شرط قابل توصیف است (خویی، ۱۴۴۰: ج ۴، ۵۷۸).

در حقوق فرانسه اشتباه در اوصاف غیراساسی از جمله اشتباهاتی است که در عقد تأثیری^{۲۹} ندارد (Marty, Raynaud et Jestaz, 1988: T 1, 149 n^{os}146)؛ به عنوان مثال در بیع یک تابلو شخصیت ترسیم شده روی آن، ابعاد آن تابلو یا اینکه آن تابلو پیش از این زینت بخش خانه‌ی یک هنرمند معروف بوده است، مارک تلویزیون خریداری شده و یا زمان ساخت خودرو از اوصاف اساسی قلمداد نمی‌شود (Terré, Simler, Lequette et Chénédé, 2019: 316-325 n^{os}280-). اگرچه سعی در آن شده است تا با تفسیر موسع از اوصاف اساسی این کاستی جبران شود (محسنی و شفیع زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

۲-۳. اشتباه در ارزش مورد معامله

در رویه‌ی قضایی فرانسه از قدیم اشتباه در ارزش مورد معامله موضوعی مستقل بود؛ این رویه به موجب ماده‌ی ۱۱۳۶ قانون مدنی ۲۰۱۶ تداوم یافت. اگرچه همه‌ی

۲۸. در واقع سبب بطلان عقد معلق در نتیجه‌ی عدم تحقق معلق علیه مخدوش شدن قصد است؛ زیرا طرفین عقد را در فرض حصول معلق علیه قصد کرده‌اند در حالی که محقق نمی‌شود؛ بنابراین آنچه قصد کرده‌اند واقع نشده و آنچه واقع شده قصد نکرده‌اند.

۲۹. L'erreur indifférente.



اشتباهات در ماهیت موضوع به‌طور غیرمستقیم بر ارزش آن تأثیرگذار است (Maurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 217 n^{os}505) و فقدان چنین وصفی قرارداد را باطل می‌کند (Marty, Raynaud et Jestaz, 1988: T 1, 142 n^{os}141)؛ درعین حال آنچه در اینجا استثنا می‌شود، اشتباهی است که صرفاً و به‌طور مستقیم بر ارزش واقع می‌شود (Marty, Raynaud et Jestaz, 1988: T 1, 142 n^{os}141)؛ که چنین اشتباهی مطابق با ماده‌ی ۱۱۳۶ تنها ارزیابی اقتصادی نادرستی است که سبب بطلان قرارداد نمی‌شود؛ مشروط بر آنکه اشتباه در اوصاف اساسی موضوع نباشد؛ به عبارت دیگر گاهی اشتباه در وصف اساسی ناشی از ارزیابی اشتباه موضوع است که در این صورت اشتباه مانع و مبطل عقد می‌باشد (Maurie, 2016: 217 n^{os}505). ناگفته پیداست که شناخت عناصر ارزش‌گذاری دارای اهمیت است (Bénabent, 2016: 82 n^{os}95)؛ به عبارت دیگر در صورتی که اشتباه در نوع ثمن رخ دهد، قرارداد باطل می‌شود؛ مانند آنکه در فرانک قدیمی و جدید یا فرانک و یورو بودن ثمن قرارداد اشتباه شود (Buffelan-Lanore et Larribau-Terneyre, 2017: 783 n^{os}1129). به نظر می‌رسد که اشتباه نوع اخیر به اشتباه در خود موضوع «substance» بازگشت دارد. در واقع در فرض اشتباه در ارزش اراده‌ی طرفین در ثمن موافق است، درحالی که یک طرف شاکی است از اینکه ثمن قراردادی با ارزش اقتصادی واقعی مال یا خدمت ارائه شده مطابقت ندارد (Fages, 2022-2023: 110 n^{os}111).

خاطر نشان می‌سازد که ماده‌ی ۱۱۱۸ قانون مدنی فرانسه ۱۸۰۴ بیان می‌کرد که در اصل، قرارداد به علت وجود ضرر (غبن) باطل نمی‌شود؛ به همین دلیل رویه قضایی فرانسه از پذیرش بطلان به علت اشتباه در ارزش اجتناب می‌کرد؛ با وجود این آرایه یافت می‌شود که در آن بطلان واگذاری سرمایه تجاری به سبب اشتباه در سودآوری سرمایه پذیرفته شده است (Marty, Raynaud et Jestaz, 1988: T 1, 142 n^{os}141).



به هرحال در حقوق فرانسه نیز مانند حقوق ایران به سبب غبن، اشتباه در ارزش منتهی به ایجاد حق فسخ^{۳۰} می‌شود (Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 217 n^{os}505)؛ با این تفاوت که در حقوق ایران حق فسخ با وجود شرایط خیار غبن از جمله فاحش بودن اختلاف قیمت ایجاد می‌شود.

۳-۳. اشتباه بی‌تأثیر در وضعیت عقد

سرانجام برخی اشتباهات تأثیری در وضعیت عقد ندارد؛ به‌عنوان مثال در اشتباه در اوصاف غیرمهم، جهت معامله و شخص یا شخصیت طرف در فرضی که علت عمده‌ی عقد نباشد، هرچند رضای شخص مخدوش باشد ولی قانون‌گذار ضمانت اجرایی برای آن در نظر نگرفته است.

در رابطه با اشتباه در جهت در حقوق فرانسه مطابق با ماده‌ی ۱۱۳۵ قانون مدنی ۲۰۱۶ بین انگیزه‌ی ساده با انگیزه‌ی اساسی تمایز وجود دارد؛ اشتباه در انگیزه‌ی ساده در اعتبار قرارداد بی‌تأثیر است؛ زیرا دانستن اینکه طرفین برای چه تراضی کرده‌اند، اهمیتی ندارد (Bénabent, 2016: 83 n^{os}96). حتی اگر آن انگیزه از نظر طرف قرارداد اساسی باشد و به اطلاع طرف دیگر هم رسیده باشد،^{۳۱} عنصر اساسی قرارداد محسوب نمی‌شود (Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 217 n^{os}505). در صورتی انگیزه اساسی قلمداد می‌شود که اراده مشترک طرفین به‌طور صریح آن را وارد قلمرو قرارداد کرده باشد (Malaurie, Aynès et Stoffel-Munck, 2016: 217 n^{os}505)؛ در این فرض به بطلان قرارداد منتهی می‌شود (Bénabent, 2016: 84 n^{os}96). دیوان عالی کشور فرانسه نیز همین رویه را انتخاب کرده است^{۳۲} (Fages, 2022-2023: 113 n^{os}114).

۳۰. Une rescision pour cause de lésion.

۳۱. برخی از حقوق‌دانان فرانسوی برعکس عقیده‌ی بالا معتقدند اساسی بودن انگیزه نزد یک طرف با اطلاع طرف دیگر برای عنصر قرارداد محسوب کردن آن کافی است (Bénabent, 2016: 83 nos96).

32. Cass. civ. 1re, 13février 2001, n°98-15092.



در حقوق ایران نیز در صورت حصول توافق ضمن عقد ممکن است با استناد به خیار تخلف از شرط و مانند آن قابل فسخ باشد؛ به عنوان مثال اگر شخصی خانه‌ای در یک شهر اجاره کند به تصور اینکه به زودی در آنجا در اداره‌ای استخدام می‌شود چنانچه استخدام وی به فرجام نرسد نمی‌تواند موجب انحلال قرارداد باشد؛ درعین حال اگر بگوید خانه را اجاره کردم به شرط اینکه در اداره برق این شهر استخدام شوم، چنانچه استخدام نشود اختیار فسخ معامله به سبب خیار تخلف از شرط برای او وجود دارد.

مطابق با ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ در اصل اشتباه در وصف اساسی طرف قرارداد تنها در صورتی سبب بطلان عقد است که شخصیت علت عمده باشد (Bénabent, 2016: 80 n^{os}92)؛ بنابراین اشتباه در شخص یا شخصیت طرف در مواردی که علت عمده عقد نیست خللی به عقد وارد نمی‌کند. در حقوق ایران نیز همین نظر پذیرفته شده است (شهیدی، ۱۳۸۸(الف): ۱۷۱؛ صفایی، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

۴. نتیجه‌گیری

اشتباه حالت کسی است که یک امر نادرست را صحیح یا صحیح را نادرست تصور می‌کند که در قلمرو قراردادی می‌تواند بازنمایی غلط از موضوع یا طرف قرارداد باشد؛ این وضعیت نبود هماهنگی بین اعتقاد شخص مشتبه با واقعیت را به دنبال دارد که اراده را مخدوش می‌کند (Porchy-Simon, 2016: 84 n^{os}150). در فقه امامیه نیز این عقیده وجود دارد که شخص با اعتقاد بر اینکه عین معین موضوع معامله متصف به یک عنوان خاصی است آن را معامله می‌کند درحالی‌که با آنچه در خارج موجود است مغایرت دارد؛ به دیگر سخن متعلق قصد شخص بر مبنای اعتقادی که او دارد اولاً و بالذات عین معین موجود در خارج می‌باشد که به عنوانی خاص متصف است درحالی‌که با آن موجود خارجی مغایرت دارد؛ درنتیجه آنچه قصد کرده واقع نشده و آنچه واقع شده قصد نکرده است.



در عین حال از کلام برخی از فقها استنباط می‌شود که ایشان اشتباه را به‌طور مستقیم به موضوع مربوط می‌دانند؛ به این صورت که با تحقق اشتباه عنوان از معنون تخلف می‌کند، به عنوان مثال هنگامی که شخص یک النگوی طلا را معامله می‌کند و سپس آشکار می‌شود که مطلا بوده است، در واقع آنچه در خارج موجود است (مطلا) بیع بر آن واقع نشده و آنچه بیع بر آن واقع شده موجود نیست؛ در نتیجه بیع به لحاظ فقد موضوع باطل است نه فقدان قصد. وانگهی با توجه به اینکه ارزش اشیا بر اساس اوصاف آن ارزیابی می‌شود، اگرچه در مقابل اوصاف فی‌نفسه مالی قرار نمی‌گیرد ولی در واقع اوصاف واسطه‌ای استقرار مالیت برای اشیا هستند؛ به عبارت دیگر اشیا بر اساس اوصافی که دارند دارای مالیت می‌شوند؛ بر بنیاد این عقیده می‌توان شرط معلوم بودن موضوع معامله را ناشی از لزوم مالیت داشتن آن دانست و در فرضی که تخلف از مقدار و وصف در معنی اخص اتفاق می‌افتد مالیت مال مخدوش می‌شود و معامله به علت فقدان مالیت باطل می‌شود؛ با این استدلال هم اشتباه به مورد معامله مربوط می‌شود.

نظریه اخیر بر بنیاد این عقیده استوار است که موضوع قصد نمی‌تواند امور خارجی باشد؛ بلکه امور خارجی موضوع افعال و افعال موضوع قصد قرار می‌گیرند؛ اگرچه این نظر از استحکام کافی برخوردار است ولی نگارنده با اختیار قول نخست معتقد است که طرفین در زمان انشای معامله، قرارداد را مجرد از موضوع مورد قصد قرار نمی‌دهند بلکه آن را با موضوع مدنظر اراده می‌کنند؛ به عبارت دیگر هرچند موضوع خارجی به‌طور مستقیم موضوع قصد قرار نمی‌گیرد ولی هنگام تعلق قصد به فعل، آن فعل بدون موضوع مورد قصد واقع نمی‌شود.

سرانجام اشتباه از حیث اثر در حقوق فرانسه به اشتباه مانع، مؤثر و غیرمؤثر تقسیم می‌شود که اشتباه مانع به علت فقدان قصد به بطلان مطلق، اشتباه مؤثر به بطلان نسبی و در برخی موارد ایجاد حق فسخ منتهی می‌شود و اشتباه غیرمؤثر نیز خللی به عقد وارد نمی‌کند. در حقوق ایران نیز می‌توان اشتباه را به مؤثر و غیرمؤثر



تقسیم کرد؛ ضمانت اجرای اولی حسب مورد بطلان و حق فسخ است و دومی خدشه‌ای به عقد وارد نمی‌کند. گفتنی است که در حقوق ایران اشتباه مانع به معنایی که در فرانسه وجود دارد قابل پذیرش نیست؛ زیرا در حقوق ایران که مبتنی بر فقه امامیه می‌باشد قلمرو اشتباه از نبود توافق در اراده‌ها مستقل است.

اشتباه مؤثر در فرضی که در خود موضوع معامله یا شخص طرف (آنجایی که شخصیت علت عمده عقد است) اتفاق می‌افتد منتهی به بطلان قرارداد می‌شود؛ درعین حال در جایی که در اوصاف مهم یا ارزش معامله (به نحو اختلاف فاحش) باشد موجب حق فسخ برای قربانی اشتباه است؛ در سایر موارد نیز بر بنیاد اصل ثبات و استحکام قراردادها تأثیری در عقد ندارد.

مقایسه معیار ارزیابی و شناخت خود موضوع معامله در حقوق ایران و فرانسه (قبل و بعد از اصلاحات ۲۰۱۶) نیز موضوعی در خور توجه است؛ به‌طوری‌که با کمک دو معیار نوعی یا شخصی می‌توان خود موضوع معامله را تشخیص داد. معیار تشخیص در بین اکثر فقهای امامیه ضابطه نوعی است؛ هرچند ضابطه شخصی هم طرفدار دارد. ۳۳ در حقوق فرانسه تا قبل از اصلاحات ۲۰۱۶ اختلافاتی بین حقوق دانان وجود داشت؛ با اصلاحات صورت گرفته قانون‌گذار این کشور همگام با رویه‌ی قضایی به طور ضمنی معیار شخصی را انتخاب کرده است.

این نوآوری هم دیده می‌شود که در اصلاحات قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ نظریه علت «La cause» حذف شده است، به همین دلیل پذیرش اشتباه در علت مورد اختلاف واقع شده است.

در قانون مدنی ایران نیز برخی نوآوری‌ها جالب توجه است؛ از جمله اینکه برخلاف حقوق فرانسه اشتباه (مواد ۱۹۹ به بعد) از نبود توافق اراده‌ها (ماده ۱۹۴) جدا شده است؛ همچنین ضمن اقتباس از قانون مدنی فرانسه ۱۸۰۴ به استفاده از

۳۳. در این خصوص (نک یزدی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۵۹)؛ که عرف را کاشف از قصد واقعی طرفین می‌داند و آن را به عنوان یک حکم تعبدی نمی‌پذیرد.



نظریه علت ضرورتی احساس نشده است؛ اگرچه برخی از حقوق‌دانان آن را تأیید کرده‌اند. قانون‌گذار ایران در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ در استفاده از «عدم نفوذ» به «بطلان نسبی» در حقوق فرانسه نظر داشته است؛ درحالی‌که انطباق آن با مبانی حقوق ایران سازگار نیست به همین دلیل در مواد ۳۵۳ و ۷۶۲ به بطلان عقد حکم کرده است.

۵. منابع

۵-۱. منابع فارسی

الف) کتب

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق (۱۳۸۲). تهران، گنج دانش.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی (۱۳۸۷). تهران، گنج دانش.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت (۱۳۸۸). تهران، گنج دانش.
۴. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات (۱۳۸۸ الف). تهران، مجد.
۵. شهیدی، مهدی، اصول قراردادهای و تعهدات (۱۳۸۸ ب). تهران، مجد.
۶. صفایی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادهای (۱۳۸۸). تهران، میزان.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). عقود معین (عقود انزی وثیقه‌های دین)، تهران، سهامی انتشار، جلد ۴.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). قواعد عمومی قراردادهای، تهران، سهامی انتشار، جلد ۱.

ب) مقالات

۹. ریاحی، محمد؛ جعفری‌فشارکی، محمد (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی مفهوم انتقال معدوم در بیع مال آینده در فقه امامیه، حقوق ایران، فرانسه و انگلیس»، پژوهش



تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱، صص ۱۸۲-۱۴۷.

۱۰. محسنی، سعید؛ شفیع‌زاده مصطفی (۱۳۹۳). «مفهوم اشتباه در شخص طرف قرارداد و تأثیر آن بر قرارداد (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)»، پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی، شماره ۴، صص ۱۳۹-۱۰۹.
۱۱. نوتی‌زهی، محمدحسین؛ قنواتی، جلیل (۱۴۰۰). «مطالعه اشتباه قراردادی در نظام حقوقی ایران و انگلیس بر پایه رویکردهای ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی»، فصلنامه پژوهشهای حقوق تطبیقی، شماره ۴، صص ۱۴۷-۱۲۳.

ج) دادنامه‌ها

۱۲. دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۲۳۹۰۰۰۲۸۵۰۱۸۶ پرونده شماره ۹۹۰۹۹۸۳۸۴۵۱۰۰۴۷۲ به‌شماره بایگانی ۹۹۰۱۱۹۶ شعبه نهم دادگاه حقوقی شهرکرد.
۱۳. دادنامه شماره ۱۴۰۱۳۲۳۹۰۰۱۱۸۹۷۹۸ پرونده شماره ۹۹۰۹۹۸۳۸۴۵۱۰۰۴۷۲ به شماره بایگانی ۰۱۰۰۰۱۴ شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان چهارمحال و بختیاری.
۱۴. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۸۰۰۱۱۱۰۱۰۹۷ شعبه ۱۰۴ دادگاه حقوقی تهران.
۱۵. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۱۸۸ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر تهران.

۲-۵. منابع عربی

۱۶. انصاری دزفولی، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ ق). کتاب‌المکاسب (ط-الحديث)، قم، کنگره-جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، جلد ۱ و ۵.
۱۷. ایروانی، علی (۱۳۷۹ ق). حاشیه‌المکاسب، قم، کتبی نجفی، جلد ۱.
۱۸. تبریزی، جواد (۱۳۸۹ ش). ارشاد الطالب فی شرح‌المکاسب، قم، دارالصدیقه الشهیده، جلد ۱.
۱۹. حلی، ابن‌ادریس (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات



اسلامی، جلد ۲.

۲۰. خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). *مصباح الفقاهه (المکاسب)*، بی جا، جلد ۱، ۳ و ۴.
۲۱. روحانی، محمدصادق (۱۴۳۵ ق). *فقه الصادق*، قم، آیین دانش، جلد ۲۱.
۲۲. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ ق). *مذهب الاحکام*، قم، موسسه المنار، جلد ۱۸.
۲۳. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ ق). *حاشیه المکاسب*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، جلد ۱ و ۲.
۲۴. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد فی الشرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البيت، جلد ۴.
۲۵. کمپانی اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۸ ق). *حاشیه کتاب المکاسب (ط-الحديث)*، قم، أنوار الهدی، جلد ۴.
۲۶. نائینی، میرزا محمدحسین (۱۴۳۸ ق). *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب*، تهران، المكتبة المحمدية، جلد ۱.
۲۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۳-۵. منابع فرانسوی

الف) کتب

28. Bénabent, Alain(2016). *Droit Des Obligations*, paris: LGDJ.
29. Buffelan-Lanore, Yvaine; Larribau-Terneyre, Virginie(2017). *Droit Civil les obligations*, paris: Edition sirey.
30. Buy, Frédéric(2016). *L'essentiel des Grands arrêts du Droit des Obligations*, paris: Lextenso.
31. Cabrillac, Rémy(2016). *Droit Des Obligations*, paris: Dalloz.
32. Dionisi-Peyrusse Amélie(2008). *Droit Civil Les Obligations*, Paris, éditions du CNFPT.



33. Fages, Bertrend (2022-2023). *Droit Des Obligations*, paris, LGDJ.
34. Flour, Jacques; Aubert, Jean-Luc; Savaux, Eric(2022). *Droit civil Les Obligations L'acte juridique*, paris: Editions Sirey.
35. Malaurie, Philippe; Aynès, Laurent; Stoffel-Munck, Philippe(2016).*Droit civil Droit Des Obligations*, paris, LGDJ.
36. Marty, Gabriel; Raynaud, Pierre; Jestaz, Philippe(1988). *Droit civil Les Obligations*, paris: Editions Sirey.
37. Pitras, Antonin(2021). *Le Droit Des Contrats*, Paris, Ellipses Édition.
38. Porchy-Simon, Stéphanie(2016). *Droit Civil Les Obligations*, Paris, Dalloz.
39. Terré, François; Simler, Philippe; Lequette, Yves; Chénédé, François(2019). *Droit civil Les Obligations*, paris: Editions Sirey.

ب) آرا

40. Cass. civ. 1re, 22février 1978, n°76-11551.
41. Cass. civ. 1re, 13 déc. 1983, n° 82-12237.
42. Cass. civ. 1re, 13février 2001, n°98-15092.



Comparative Studying the Effects of Mistake in Contracts in Iranian and French Law

Mohammad Riyahi*

Ph. D. in Private Law, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan, Iran

Receive: 2023/10/12

Accept: 2024/01/8

Abstract

Misunderstanding of reality and belief that something is right, wrong or vice versa is called mistake. Understanding the concept of wrong is not possible simply, because the meaning of right and wrong is relative and temporary. However, what as a mistake requires the performance guarantee, is the event that the belief of the contracting party is not in accordance with the reality. As a result, the mistake in the legal system of Iran and France distorts the will, not the subject of the contract. In Iranian Law, a mistake is sometimes a flaw in the intention and sometimes a flaw in the intention. Based on this, the performance guarantee considered by the legislator is null and void, respectively and in other cases, according to the principle of firmness of contracts, no executive guarantee has been considered for it. In French Law, it sometimes invalidates the will and sometimes impairs it, and in other cases it does not affect the validity of the contract; Based on this, mistakes are divided into obstacles, effective and ineffective, and the guarantee of its implementation is absolute, relative, and in some cases, creating the right of cancellation; An ineffective mistake does not disrupt the contract. The purpose of this article is to explain the nature and position of the mistake by applying the descriptive-analytical method and with a comparative look at the French legal system, and to study its effects in order to provide a suitable solution to solve complex problems that usually occupy the courts of law.

Keywords: Mistake, Fault of Will, Obstacle Mistake, Transaction Itself, Absolute Nullity, Relative Nullity

*Corresponding Author : dr_mohammadriyahi@yahoo.com